بررسی
مراحل و تحولات جنگ

نویسنده: مهدی ادیبی



بسم الله الرحمن الرحیم

بررسی مراحل و تحولات جنگ

نویسنده:

مهدی ادیبی

ناشر چاپی:

پایگاه تخصصی دفاع مقدس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بررسی مراحل و تحولات جنگ

مشخصات کتاب

عنوان:بررسی مراحل و تحولات جنگ تحمیلی

نوع مقاله:عمومی

نویسنده:مهدی ادیبی

ناشر:پایگاه تخصصی دفاع مقدس

موضوع:جنگ تحمیلی

مقدمه

دوران جنگ عراق و ایران یک مقطع مهم و برجسته در تاریخ معاصر ایران محسوب می گردد. نحوه مقاومت ملت در این جنگ، نتایج چشم گیری را برای کشور و تاریخ ما به ارمغان آورد، همان طوری که به عقیده برخی از صاحب نظران تاریخ، شکست عباس میرزا در جنگ با روس در دوره قاجاریه، نقطه هزیمت و خودباختگی ملی در مقابل علم و سلاح برتر شد، ایستادگی مردم ما در مقابل تجاوز دشمن و تحمل سختی‌های هشت ساله دوران جنگ، ضمن شکست اهداف دشمن و حامیان او، فصل جدیدی را در خود باوری و خود اتکایی ملی ایجاد کرد و شخصیت جمعی [۱] و منش ملی [۲] را به سطح بسیار شایسته‌ای ارتقاء داد. در بررسی‌های تحلیلی تاریخ جنگ‌ها در جوامع مختلف، شکست و پیروزی عامل اصلی حرکت آن جوامع محسوب می گردد و نگاه تحلیلی بسیاری از مورخین و نظامیان افراط گرا بر این باور است که سرداران و فاتحان نبردها، شخصیت‌های اصلی شکل دهنده تاریخ بشر هستند و تاریخ اساسا چیزی جز تاریخ جنگ‌ها نیست، در اینجا قصد ما این نیست که این باور را داوری کنیم اما مروری بر این باورها زمینه موضوع را شفاف می‌نماید.

ویل دورانت در کتاب درآمدی بر تاریخ تمدن در همین زمینه می‌نویسد: اگر پیروزی شارل مارتن [۳] در نبرد پواتیه [۴] نبود چه عامل دیگری فرانسه و اسپانیا را از قبول اسلام بازمی‌داشت؟ (دورانت، ویل، درآمدی بر تاریخ تمدن: ۲۱۵)

هر چند میلیتاریسم [۵] یا نظامی گرایی حاکم بر نگرش فوق، آن را در زمره نظریات افراطی و کم طرفدار قرار می‌دهد اما یک نکته قابل توجه است و آن این که در مقابل این نظر افراطی، نظر تفریطی وجود ندارد به عبارت دیگر در مقابل مطلق کردن نقش جنگ در تاریخ، حذف و یا بی‌اهمیت شمردن جنگ، طرفدار و پیروانی ندارد.

در واقع این یک اجماع نظری وسیع است که هر چند جنگ تنها محور بررسی تاریخ نیست و هر چند تاریخ بشر فقط تاریخ جنگ نیست اما قطعا یکی از عمده‌ترین محورهای بررسی تاریخ، لاجرم جنگ‌های موجود در طول تاریخ است، به طوری که حذف و یا بی‌اعتنایی به آن هر گونه نظریه علمی در باب تاریخ و فلسفه تاریخ را از اعتبار می‌اندازد.

در هر حال جنگ امری است که از ابتدای حیات بشر همواره همراه او بوده و خواهد بود تاریخ تاکنون جنگ‌های طولانی بسیاری به خود دیده است. جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران نیز یکی از همین جنگ‌ها است. جنگ‌های طولانی معمولا درگیری‌های با اهمیت را نمایندگی می کنند که وجود شکافی عمیق و پر نشدنی بین منافع طرفین و نیز فقدان برتری قطعی یک طرف که بتواند اراده خود را به دیگری تحمیل نماید، از مشخصات عمده آن است. در این جنگ‌ها هر یک از طرفین به یک دسته از منابع قدرت خاص خود متکی است و یا از اتحادها و ائتلاف‌هایی که نوعی موازنه قوای دراز مدت، با طرف دیگر برقرار می کند، سود می‌برد. اما جنگ اخیر عراق علیه ایران

[صفحه ۴۵]

ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد. یکی از این ویژگی‌ها تفاوت فاحش ماهیت و مضمون و مقصود دو اردوگاه می‌باشد. ویژگی دیگر تاکتیک‌ها [۶] و استراتژی‌های [۷] هر دو جبهه است که کاملا با یکدیگر متفاوتند. شناخت اهداف این دو اردوگان و چگونگی دست یابی آن‌ها به اهداف خود یک بررسی علمی است که به کمک منابع و اسناد و مدارک و تجزیه و تحلیل آن‌ها و با شیوه‌ای تاریخی نگری باید به درک آن نائل آمد. به همین منظور وضعیت نیروهای درگیر را در سه مقطع ذیل مورد بررسی قرار خواهیم داد:

الف - مرحله نخست: هجوم نیروهای مردمی، مقاومت‌های پراکنده و سازمان نایافته ولی جانانه رزمی به منظور تثبیت هجوم دشمن.

ب - مرحله دوم: آغاز عملیات فتح المبین و سلسله عملیات بعدی آن که منجر به عقب راندن دشمن گردید.

ج - مرحله سوم: آغاز عملیات بدر، رمضان و فاو به منظور دور نمودن دشمن از مرزهای بین المللی.

تاریخ مختصر شکل گیری جنگ ایران و عراق

وقوع انقلاب اسلامی در ایران یک بار دیگر زمینه چالش و درگیری میان ایران و عراق را مهیا ساخت. نظام سیاسی جدید در ایران که بر اساس اندیشه دینی و انقلابی پایه ریزی می‌شد، به طور طبیعی برای مسلمانان منطقه و عراق حامل پیام بود. از این رو عنصر ایدئولوژی خود به خود اختلافات فی ما بین دامن می‌زد. بدون توجه به ریشه‌های قدیمی اختلاف مرزی بین عراق و ایران که سابق بر این موجب تنش‌ها و درگیری‌هایی گردیده بود، در این مرحله از تاریخ حیات دو کشور، صرف پیروزی انقلاب اسلامی با مضمون ایدئولوژی شیعی برای کشوری چون عراق با اکثریت مسلمانان شیعی می‌توانست مخاطره انگیز باشد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران تعادل قوا را در منطقه خلیج فارس به نفع عراق تغییر داد. سقوط شاه که ژاندارم غرب در خلیج فارس بود، خلأ قدرتی در منطقه خلیج فارس به وجود آورد. صدام حسین برای تثبیت نقش خود به عنوان ژاندارم جدید خلیج فارس در بهمن ۱۳۵۸ به انتشار منشور ملی اقدام کرد.

وی در این باره گفت: «به عقیده ما تعهد کشورهای خلیج (فارس) به این منشور به عنوان تعیین کننده چارچوب کل روابط فی ما بین، امنیت خلیج (فارس) را تأمین کند»

از طرف دیگر عراق با دامن زدن به نگرانی بی‌مورد کشورهای خلیج فارس از انقلاب اسلامی ایران، توانست آن‌ها را به طرف خود جلب نموده و عراق را به عنوان تنها سپر دفاعی در مقابل انقلاب اسلامی ایران معرفی کند. سعدون حمادی در این زمینه طی نامه‌ای به سازمان ملل گفته است: «... اگر عراق سقوط کند، پس از آن تمام کشورهای خلیج عربی (فارس) سقوط خواهند کرد.»

صدام هنگامی که به قدرت رسید که اوضاع بین المللی و منطقه‌ای برای دست یابی به اهدافش کاملا مساعد بود، از نظر بین المللی، غرب در پی سرنگونی ژاندارم وفادار خود، محمد رضا پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی، منافع خود را بیش از پیش در خطر می‌دید. کشورهای منطقه نیز با خطر صدور انقلاب اسلامی ایران روبرو بودند. در این حال، دولت‌های منطقه و امریکا نیز بی‌میل نبودند که فردی چون صدام حسین، جمهوری اسلامی ایران را با ارتشی ضعیف و از هم پاشیده، وضعیت سیاسی متشنج و درگیر اختلافات داخلی، تنبیه نماید. افزون بر این، انعقاد قرارداد کمپ دیوید و انزوای سیاسی مصر و سادات در جهان عرب موجب شد که مصر (و نه فقط جمال عبدالناصر) نقش سنتی خود را به عنوان رهبر جهان عرب از دست بدهد و این موضوع، فرصت طلایی برای صدام فراهم نمود، تا عراق را جانشین مصر نماید.

به طور خلاصه به نظر می‌رسید با توجه به شخصیت صدام، وقوع انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه، شرایط منطقه‌ای خاورمیانه و جهان عرب و وضعیت روابط بین المللی شرایطی مساعد برای وقوع جنگ و تجاوز نیروهای بعثی عراق علیه ایران را فراهم می‌آورد و این «قادسیه صدام» امری اجتناب ناپذیر بود. صدام برای امتناع افکار عمومی عراق و جهان عرب که امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را نشانه ضعف او در برابر قدرت ایران می‌دانستند، در اولین فرصت مناسب، قرارداد را لغو نمود. وی در سخن‌رانی‌هایش، پیش از جنگ و در جریان حمله به ایران، همواره تأکید می‌نمود که جنگ را برای لغو قرار داد الجزایر و استقرار دوباره حاکمیت عراق بر اروندرود (شط العرب) آغاز کرده است.

در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۵۹ دولت عراق آن قسمت از اراضی را که ادعا می‌نمود بر طبق موافقت نامه ۱۹۷۵ الجزایر باید به آن دولت مسترد می‌گردید، با توسل به زور به اشغال خود درآورد و اعلام نمودند که نیروهای عراق به مرزهای بین المللی رسیده‌اند. اما اهداف واقعی و نهانی دولت بعثی عراق عبارت بود از

[صفحه ۴۶]

اشغال بخش‌های عرب نشین ایران، تا جریان پان عربیسم [۸] منطقه، آن را حمله‌ای ایدئولوژیک به غیر عرب‌ها تعبیر نکند. هدف دوم، تسلط بر منابع انرژی و بالاـ بردن ریسک دفاع برای جمهوری اسلامی ایران و هدف سوم نیز این بود تا با حمله و تضعیف جمهوری اسلامی، اعتماد غرب را به طرف خود جلب نماید.

تجاوز نیروهای مسلح عراق به ایران با این توافق روشن صورت گرفت که به دلیل درهم ریختگی حاصل از انقلاب، بی‌انگیزه بودن ارتش و اعلام سران آن و همچنین قطع ارسال سلاح‌های غربی به ایران، طی همان هفته‌های اول با حملات سریع و برق آسای نیروهای عراقی به اتمام می‌رسد. اما آن چه که در پیش بینی دولت بعثی عراق و نیروهای غربی حامی آن‌ها لحاظ نشده بود هجوم سریع مردم به سوی جبهه‌های نبرد و تصمیم به مقابله با این تجاوز آشکار بود. مزید بر این، دستگاه رهبری عراق و غرب هنوز به درک روشنی از ابعاد شخصیت رهبری انقلاب اسلامی به خصوص سازش ناپذیری و جسارت ایشان پی نبرده بودند، دو عاملی که پیروزی انقلاب اسلامی و هدایت جنگ تا مراحل نهایی مرهون آن‌ها بود. لذا با اعلام تصمیم حضرت امام (ره) مبنی بر لزوم مقاومت و بیرون راندن دشمن از سرزمین اسلامی و نام گذاری این جنگ به نام جنگ اسلام و کفر، هجوم مردم به جبهه‌ها آغاز شد.

مرحله اول مقاومت، مقطع سال‌های ۵۹ – ۶۱

در اولین مرحله، مقاومت‌های پراکنده اما ایثارگرایانه نیروهای مردمی در خرمشهر، حمیدیه و سوسنگرد و سایر جبهه‌ها موجب گردید نیروهای عراقی در مواضع خود زمین گیر شدند و با توجه به شکاف زیاد میان عقبه و خطوط پدافندی و همچنین کمبود یگان برای پوشش مناسب مناطق تصرف شده، از فکر پیشروی بیشتر صرف نظر نمایند. ضمن آن که از این پس، جلو رفتن به سادگی میسر نبود، لذا از نیمه مهر ماه مشخص گردید که جنگ برق آسای مورد نظر عراق کم‌ترین برنامه‌ای برای آن نداشت و شاید تصور آن را هم نمی‌کرد (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه ۱۳۲ : ۱۳۷۲).

پس از توقف ارتش عراق، حملات چریکی و ایذایی به وسیله نیروهای مردمی و پاسداران انقلاب اسلامی آغاز گردید. این حملات که با شبیخون و غافل گیری همراه بود، ضمن آن که ارتش عراق را شدیدا در وحشت فرو برد، موجب شد با روحیه‌ای جدید، جبهه خودی به تدریج بازسازی و آماده اقدامات اساسی‌تر گردد. به واقع از جمله اهداف جنگ‌های چریکی، ناکامی دشمن

و بیرون آوردن جبهه خودی از آثار روانی تجاوز اولیه بود. در حالی که حملات چریکی در جریان وقوع بود، یک رشته عملیات جنگی کلاسیک برنامه ریزی شد که همگی ناموفق بودند. به دلیل حضور بنی‌صدر در رأس فرماندهی کل قوا و با اتکا ایشان به ارتش، این عملیات‌ها که در ۲۳ مهر ماه ۱۳۵۹ در محور دزفول (پل نادری)، ۴ آبان ۱۳۵۹ در محور آبادان، ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹ در محور هویزه و در ۲۰ دی ماه ۱۳۵۹ در محور جاده ماهشهر - آبادان انجام شد، همگی منجر به شکست شدند (درودیان، محمد، ۹۲ - ۱۱۵ : ۱۳۷۸).

جهت گیری واگرایانه رئیس جمهوری وقت (که فرماندهی کل قوا نیز از طرف رهبر انقلاب به وی تفویض شده بود) با نیروهای بسیجی و سپاه پاسداران و عدم هماهنگی و عدم اعتقاد به جنگ‌های غیر کلاسیک به مرور موجب آشکار شدن [اختلاف] موضع ایشان با مواضع رهبری، نیروهای مردمی و نیروهای سپاه پاسداران گردید در همان ابتدای جنگ وی طی سخنانی درباره زمینه‌های شرع جنگ اظهار داشت: «وقتی جنگ در گرفت، معلوم شد که یک دولت در دنیا نیست که این جنگ را محکوم کند... این، نشانه آن است که ما یک کارهایی کرده‌ایم و یک جلوه‌ای از انقلاب به دنیای خارج نشان داده‌ایم که نتیجه‌اش این انزواست و آن کارهاست که نباید بشود.» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۳ مهر ۱۳۵۹)

در صحنه جنگ، مخالفت صریح و آشکار رئیس جمهور با سپاه پاسداران و اتکاء به ارتش به عنوان بازوی نظامی خویش، کارآمدی و انسجام را از اقدام در صحنه نبرد سلب کرد.

[صفحه ۴۷]

وی در مصاحبه با مجله «نوول ابزرواتور [۹] » گفته بود: «این ارتش است که دلیرانه در برابر عراق از وطن دفاع می‌کند نه پاسداران، ارتش سی بار از سپاه پاسداران، از هر نقطه نظر مهم‌تر و قوی‌تر است» (خبرگزاری پارس، نشریه ویژه، ۲۳ مهر ۱۳۵۹).

حذف سپاه از صحنه جنگ و عدم کمک تسلیحاتی و لجستیکی موجب فشار مضاعف بر این نیرو شد به گونه‌ای که فرمانده سپاه خوزستان در نامه‌ای خطاب به مسئولین نوشت: «این چه سازمان رسمی شناخته شده‌ای است که اسلحه انفرادی ندارد؟» (مرکز مطالعات جنگ، ۵۵۱ : ۱۳۵۷).

ادامه این واگرایی رئیس جمهور از رهبری و قواعد رفتاری انقلاب و احتمالا تلاش وی برای حذف رقبا و به دست گرفتن قدرت کامل، منجر به بحران داخلی و رودررویی طرفداران و مخالفان ایشان گردید. به تدریج در استان‌ها و شهرهای مختلف کشور درگیری‌هایی به وقوع پیوست و تظاهرات و گردهمایی‌هایی که اوج آن در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ صورت گرفت موجب صحنه‌های جدیدی شدند که پس از آن با ورود مسلحانه نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به صحنه و به حمایت از ایشان، جنگ اصلی در داخل به جریان افتاد.

پایان بحران داخلی که خلع رئیس جمهور از قدرت و نیز سرکوب سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و فرار آن‌ها به خارج از کشور به دست آمد، زمینه را برای توجه به جنگ به عنوان مسئله اصلی فراهم ساخت.

اما برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ، مانع دیگری نیز پیش رو وجود داشت و آن جنگ داخلی در کردستان بود، تمام این اقدامات در یک ارتباط منطقی با یکدیگر و به عنوان حلقه‌های تکمیلی تجاوز عراق، با هدف براندازی نظام انقلابی ایران صورت می‌گرفت. روزنامه «وال استریت ژورنال» [۱۰] در دوم اکتبر ۱۹۸۰ در همین رابطه نوشته بود: «حمله نظامی عراق به رژیم (امام) خمینی، گام نخست صدام برای سرنگون کردن رژیم (امام) خمینی است. مرحله‌ی دوم، دامن زدن به انقلاب در داخل ایران با مسلح کردن گروه‌های قومی ایران است». (اردستانی، حسین، ۱۰۱ : ۱۳۷۸)

عبدالرحمن قاسملو، دبیر کل حزب دموکرات کردستان، در مصاحبه با مجله فرانسوی لوموند [۱۱] درباره اقدام نظامی حزب خود اظهار داشت: «ما اطمینان داریم که رژیم ایران محکوم به فناست» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۴۲۰ – ۴۲۱ : ۱۳۷۳).

این روزنامه درباره عملکرد حزب دموکرات کردستان و سایر گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی نوشت: «جنگ کردستان حداقل یک چهارم نیروی نظامی جمهوری اسلامی را به خود مشغول کرده است، بیش از سی هزار نفر به غیر از پاسداران در عملیات استقرار امنیت در منطقه شرکت دارند. همه چیز به گونه‌ای جریان دارد مثل این که مهاجمین کرد و سربازان عراقی برای درهم شکستن جمهوری اسلامی عمل می‌کنند.» (همان منبع بالا: ۴۲۶ – ۴۲۷).

درگیری‌های مسلحانه گروه‌ها و احزاب کرد نیز به همت نیروهای مردمی و سپاه پاسداران پس از تلاش فراوان و تقدیم شهدای فراوان خاموش گردید و همان طوری که حضرت امام خمینی (ره) فرموده بودند اصلی‌ترین مسئله به منظور حفظ نظام، بیرون راندن دشمن متجاوز بعثی بود که در دستور کار نیروهای پاسداران قرار گرفت.

مرحله دوم مقاومت، مقطع سال‌های ۶۰ – ۶۲

توجه به جنگ خارجی به عنوان مسئله اصلی پس از فراز و نشیب‌هایی که شرح آن رفت منجر به این نتیجه گردید که باید بر پایه توان ملی و قدرت نظامی مردمی با دشمن مقابله نمود و او را به بیرون از مرزهای بین المللی راند زیرا نه شورای امنیت سازمان ملل متحد، نه سازمان جنبش غیر متعهدها و نه سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی هیچ کدام درصدد منع متجاوز و دعوت به رفع تجاوز و در پی برقراری آتش بس و صلح نیستند

[صفحه ۴۸]

برای این منظور سلسله عملیات کربلا طرح ریزی گردید و از مهرماه ۱۳۶۰، نوع جدیدی از اقدام نظام تحت عنوان حمله غیر کلاسیک به مرحله اجرا درآمد که با عملیات سابق متفاوت بود. در این حملات، سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی در کنار یکدیگر و طی عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس ضمن آن که مناطق وسیعی از اراضی تحت اشغال دشمن را از دست وی خارج کردند، توانستند به میزان قابل ملاحظه‌ای ارتش عراق را منهدم نمایند.

پیروزی‌های به دست آمده که با شکستن محاصره آبادان در پنجم مهرماه ۱۳۶۰ آغاز شد و با عملیات فتح المبین شتاب فزاینده‌ای به خود گرفت، طی ۷ ماه نبرد جانانه با همکاری مؤثر و کامل نیروهای مردمی که به دستور قائد و رهبر خود به جبهه‌ها سرازیر شده بودند، صورت گرفت به طوری که تعجب تحلیل گران سیاسی – نظامی جهان را برانگیخت، به ویژه آن که عملیات‌های انجام شده یکی پس از دیگری از جنبه نیروی انسانی و یگان‌های درگیر و عملیاتی و همچنین وسعت جغرافیایی دامنه وسیع‌تری را شامل می‌گردید. اهداف مورد نظر این سلسله عملیات‌ها که عمده‌ترین آن‌ها، آزاد سازی مناطق اشغالی و انهدام ارتش عراق بود تا پایان عملیات بیت المقدس به میزان قابل ملاحظه‌ای تحقق یافت و سرزمین‌های اشغالی جنوب که مهم‌ترین برگ برنده برای عراق محسوب می‌شد، تقریبا به طور کامل آزاد شد. (اردستانی، حسین، ۱ – ۲ : ۱۳۷۴).

ویژگی‌های عملیات نظامی مراحل اول و دوم

۱ – هر یک از عملیات‌های مذکور به لحاظ نظامی، از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود. از جانب فرماندهان، کسب ابتکار عمل و تسلط بر دشمن به گونه‌ای طراحی شده بود که بر خلاف روش‌های رایج در عملیات کلاسیک، واجد خصوصیات بدیع و بعضا تازه

به شمار می‌رفت. علت شکست عراق در این عملیات‌ها نیز در همین عامل نهفته بود. مثلا در عملیات ثامن الائمه (۵ مهرماه ۱۳۶۰) انتخاب منطقه وسیعی که قبل از آن سابقه نداشت، یک ابتکار عمل و تصمیم جدید به شمار می‌رفت و لذا مبدأ تحولات بعدی در صحنه جنگ شد به طوری که این عملیات زمینه و خاستگاه استراتژی عملیاتی جدید و تاکتیک‌های ویژه گردید.

۲- عملیات طریق القدس که در هشتم آذر ۱۳۶۰ به اجرا درآمد؛ طراحی بدیع عبور از زمین «رمل» به عنوان محور شمالی عملیات، یکی از ویژگی‌های این عملیات محسوب می‌گردید که ناشی از خلاقیت و ابتکار تصمیم گیرندگان جنگ بود که موجب دور خوردن دشمن و تضمین پیروزی عملیات گردید، این تاکتیک هم دور از انتظار دشمن بود. به باور صاحب نظران جنگ، حمله عراق به پل سابله، پس از گذشت چند روز از عملیات و پس از عقب نشینی از شمال رودخانه نیسان، اولین تحول در باور و نگرش دشمن محسوب می‌شد، زیرا پس از این فرماندهان عراقی برای ادامه حضور در مناطق اشغالی، نیاز به تصمیم گیری جدید داشتند.

۳- عملیات فتح المبین که در دوم فروردین ۱۳۶۱ با ابتکارات تازه و جدید که در قبل مشاهده نشده بود، شکست سنگین دیگری را به عراق دیکته کرد که در گذشته سابقه نداشت. انتخاب تنگه‌های عین خوش و دلیجان به منظور حمله به عقبه دشمن و دور زدن توپخانه عراق به عنوان یک تدبیر ویژه اتخاذ شد. اجتماع و تمرکز نیروهای رزمنده در منطقه عمومی دزفول و شوش و شکست‌های قبلی عراق، نشان دهنده وقوع حادثه بزرگ دیگری در صحنه جنگ بود، در اثر این تهاجم، ارتش عراق مجبور به عقب نشینی در بخش وسیعی از جبهه جنوب شد. بر اثر ابتکار عمل ایران، وضعیت نظامی به گونه‌ای شکل گرفت که آزاد سازی مناطق اشغالی به میزان قابل ملاحظه‌ای تحقق یافت و با آزادی خرمشهر و غرب رودخانه کارون تکمیل گردید.

۴- در آستانه عملیات بیت المقدس، دشمن در معرض از هم گسیختگی قرار داشت به خصوص که منطقه عملیاتی انتخاب شده از وسعت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود. این منطقه و منطقه فتح المبین، حدودا بیست و پنج برابر منطقه عملیاتی ثامن الائمه وسعت داشتند. در مرحله آزادسازی، معضل اصلی ارتش عراق، غافل گیری در برابر ابتکارات و کاربرد تاکتیک‌های نو و جدید از جانب فرماندهان جمهوری اسلامی ایران بود زیرا در این حمله، تدابیر عبور از رودخانه کارون و تعیین «زمین جنوب جاده حسینیه تا کوشک و پادگان حمید به عنوان قلب منطقه» که تشخیص هدف عملیات را در ذهن دشمن با ابهام رو به رو ساخت، ابتکار ویژه محسوب می‌شدند. انتخاب «قلب منطقه» عراق را در این ابهام قرار می‌داد که هدف ایران حمله به کدام ناحیه است؟ این عملیات که در دهه اردیبهشت ۶۱ شروع شد، در سوم خرداد ۶۱ پس از بیست و سه روز نبرد سخت و طولانی و در چهار مرحله به پایان رسید و سرانجام خرمشهر آزاد شد.

[صفحه ۴۹]

با آزاد سازی خرمشهر و برتری سیاسی - نظامی ایران، که یکی از اهداف آن پایان درگیری بود، پیش بینی می‌شد که زمینه اتمام جنگ فراهم آید و قدرت‌های بزرگ پایان جنگ را به طور جدی و با در نظر گرفتن عدالت و تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت پی گیری نمایند، همان گونه که در مورد بسیاری از جنگ‌های بین المللی چنین شد. اما این واقعیت در مورد ایران جامه عمل به خود نپوشید به طوری که امریکا و غرب در راستای حفظ حکومت عراق و فشار بر جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های خود را آغاز کردند. در واقع امریکا به عنوان عضو موثر و صاحب نفوذ در شورای امنیت سازمان ملل، بدون توجه به خواسته‌های قانونی ایران، در پی تحمیل مذاکره بدون شرط بر این کشور بود. افزون بر این، قدرت‌های بزرگ به دلیل موضع برتر جمهوری اسلامی ایران مایل بودند، مذاکرات در شرایطی انجام شود که جمهوری اسلامی فاقد برتری نظامی باشد. از این رو، اراده قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه در راستای جلوگیری از پیروزی نظامی ایران و تقویت توان نظامی عراق قرار می‌گرفت. بدین ترتیب، امریکا و

شوروی کمک‌های اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی فراوانی را در اختیار عراق قرار دادند. هدف آن‌ها از این اقدام، ایجاد توازن قوا بین دو کشور و اعمال فشار بر ایران و عراق برای پایان دادن به جنگ بود (نگین ۳ ، ۴۴ : ۱۳۸۱).

حتی قطعنامه ۴۹۷ که در آن از ایران و عراق خواسته بود فورا از هر گونه کاربرد بیشتر زور خودداری و مناقشه خود را از راه‌های مسالمت آمیز حل کنند، نشان دهنده آن بود که اشغال بخش وسیعی از ایران با نقشه قبلی با هدف تسلیم شدن ایران صورت گرفته است. این قطعنامه بدین معنی بود که امریکا و متحدان اروپایی آن قصد دارند اراده خود را در پوشش حقوق بین المللی به جمهوری اسلامی تحمیل کنند. (نگین ۳ ، ۲۳ : ۱۳۸۱).

بنابراین تلاش عراق و مجامع بین المللی و کشورهای منطقه برای طرح مسئله صلح، نه از روی اعتقاد، بلکه به دلیل شرایط حادی بود که آن‌ها را در موضع ضعف قرار داده و منافع‌شان را تهدید می کرد.

پس از اجرای دو عملیات فتح المبین و بیت المقدس و از بین رفتن برتری نظامی عراق، شورای امنیت قطعنامه ۵۱۴ را در ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۱ تصویب نمود و در آن خواستار آتش بس و عقب نشینی دو کشور به مرزهای بین المللی شد. قبل از صدور این قطعنامه و پس از آزادسازی خرمشهر، صدام وادار به عقب نشینی سراسری گردید و به سرعت ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از ۵۰۰۰ کیلومتر مربع مناطق اشغالی ایران را تخلیه کرد. در حقیقت عملیات بیت المقدس، عراق را وادار به عقب نشینی سراسری نمود زیرا ناچار به اقداماتی گردید تا سه نقطه ضعف عمده خود را مرتفع نماید:

۱- با اتخاذ خطوط پدافندی مناسب متکی به عوارض طبیعی در نوار مرزی از فکه به بالا، رخنه پذیری خود را منتفی نماید.

۲- طول خطوط پدافندی خود را عملا کاهش دهد.

۳- موجب صرفه جویی در نیرو و در نتیجه ایجاد نیروی احتیاط متحرک در سپاه‌های رزمی خود گردد. (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۳۳ : ۱۳۷۹).

در واقع این نوع نبرد مردمی نیروهای ایرانی بود که اجازه چنین تحرکاتی را می‌داد و البته نه به سادگی بلکه با مطالعات زیاد موفق شدند در رزمی شبانه و با پیاده روی‌های طولانی دشمن را دور زده و او را غافل گیر نمایند. نیروهای رزمی ما به دلیل محاصره اقتصادی و کمبود تسلیحات نظامی قادر نبودند از همان شیوه و تاکتیک‌های کلاسیک استفاده نمایند و لذا با آن که زمان درگیری‌ها طولانی‌تر و شهدای بیشتری تقدیم اسلام می گردید، اما به هر حال نتیجه دلخواه را به دست می‌آوردند.

درست به دلیل همین نابرابری در تسلیحات نظامی بود که اولا این جنگ را یک جنگ نابرابر و غیر عادلانه می‌خواندند زیرا عراق از نظر تجهیزات و نیروهای سازمان یافته توانایی فوق العاده زیادی نسبت به ایران داشت و ضمنا از حمایت‌های تسلیحاتی غربی‌ها و شرقی‌ها برخوردار بود و ثانیا بهترین روش مبارزه با دشمن، جنگ زمینی و فرسایشی بود. وجود نیروهای

[صفحه ۵۰]

انقلابی و جوانان پرشور که بعضا در دوران انقلاب کار چریکی می کردند (نگین ۵ ، ۱۱۹ : ۱۳۸۲) اوایل جنگ یگان‌های رزمی درست کردند و با ارتش تا بن دندان مسلح به مبارزه پرداختند. علاوه بر این‌ها وجود نیروهای مؤمن و وفادار در ارتش ایران بود که همه این نیروها به کمک یکدیگر توانستند در برابر نیروهای متجاوز عراق مقاومت و پایداری نمایند.

مرحله دوم در حالی به پایان می‌رسید که برای نخستین بار پرسش در مورد ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را مسئولین و فرماندهان در جلسه حضوری با امام (ره) به بحث گذاشتند (صبح صادق، ۲۵ شهریور ۶۸ : ۱۳۸۱). چنین به نظر می‌رسید عراق که به عنوان متجاوز و اشغال گر در خاک ایران حضور داشته،اکنون با شکست او و آزاد سازی بخش وسیعی از مناطق اشغالی، دیگر ضرورتی

برای ادامه جنگ وجود ندارد واقعیت حاصل از رفتار عراق و آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در نهایت وقوع جنگ در روند تداوم آن، پس از آغاز و پیشروی عراق در خاک جمهوری اسلامی، ذهنیت و تصورات خاصی را به وجود آورده بود که این پدیده آثار زیادی در نحوه مقاومت در برابر تجاوز عراق و پس از آن حمله به دشمن در مناطق اشغالی و سپس عراق در مرحله تصمیم گیری پس از فتح خرمشهر، بر جای نهاد. در واقع ماهیت جنگ و تلاش امریکا با کمک عراق برای حمله به انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی، موجودیت نظام و انقلاب را مورد تهدید جدی قرار داده بود از طرف دیگر واکنش سازمان ملل متحده و سایر مجامع بین المللی در مورد تجاوز عراق و حمایت ضمنی از عراق، هر گونه اعتماد نسبت به این مجامع را از میان برده بود. به همین دلیل پس از فتح خرمشهر، این اعتماد وجود نداشت که حقوق ایران شامل محکومیت صدام به عنوان متجاوز، پرداخت غرامت‌های وارده و عقب نشینی کامل از خاک ایران تا پشت مرزهای بین المللی ادا گردد.

در اینجا نقش نیروهای رزمنده و آمادگی و شور و اشتیاق آنان در نبرد با دشمن هر گونه تردید در ادامه جنگ تا نابودی کامل دشمن را از بین می‌برد. در همین رابطه آیت الله هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای فرموده بودند: «روحیه نیروهای مسلح مسئله سوم بود. ارتشی‌ها می‌گفتند: باید از حیثیت خود دفاع کنیم. سپاهی‌ها و خانواده‌هایی که شهید داده بودند، حاضر نبودند جنگ پایان یابد. این امیدواری در رزمندگان بود که به کربلا برسند. قانع کردن نیروهای مسلح برای توقف جنگ کار اساسی نبود.» (نگین ۵، ۱۰۷ : ۱۳۸۲)...

و یا در جایی دیگر فرموده بودند: «امام (ره) هم بر اساس مسائلی که در ذهن مبارکشان بود، فکر می‌کردند حال که صدام حسین تجاوز را آغاز کرده است، هم باید دفع تجاوز کرد و هم برای ملت عراق آزادی آورد.» (همان منبع).

تحلیل حضرت امام (ره) این بود که نیروهای ارتش عراق به محض برقراری آتش بس در خاک ایران ماندگار خواهند شد و بیرون نمی‌روند و دوباره با تجهیز مجدد حمله می‌کند و تجاوز خود را ادامه می‌دهد. این تحلیل را فرماندهان و مشاوران امام و همه نیروهای رزمی قبول داشتند و لذا مرحله سوم جنگ با این هدف که عراق را مجبور به عقب نشینی کامل از تمام اراضی اشغالی نماییم و جنگ را تا نابودی تجاوزگر ادامه دهیم، آغاز گردید.

مرحله سوم جنگ ۱۳۶۲ – ۶۷

مرحله سوم جنگ در حالی آغاز شد که دو راه حل برای خاتمه جنگ در اذهان سیاست مداران و فرماندهان جنگ وجود داشت:

۱- وارد خاک عراق شویم تا ضمن دور کردن نیروهای دشمن از مرزهای بین المللی به عوض اراضی خودی که در تصرف دشمن است با اراضی تصرفی معاوضه‌ای صورت پذیرد (مکانیزم مبادله زمین)

۲- با مراجعه به سازمان‌های بین المللی و واسطه قرار دادن

[صفحه ۵۱]

آن سازمان‌ها به حقوق خود برسیم.

نظر عمومی مشاوران حضرت امام (ره) و شخص ایشان و فرماندهان بر ادامه جنگ تا پیروزی کامل و تنبیه متجاوز بود.

عملیات خیبر با قصد و نیت تصرف مناطقی با ارزش در داخل خاک عراق آغاز شد فرماندهان و طراحان نبرد فکر می‌کردند اگر نیروهای رزمنده، شرق دجله را تصرف و از هور عبور نمایند و جاده بصره را ببندند، بر سرزمین‌های نفت خیر عراق مسلط خواهند شد اما آن برنامه موفق پیاده نشد و نیمه کاره رها گردید.

در مرحله دیگر، ورود به خاک عراق از ناحیه فاو مورد مطالعه قرار گرفت که اگر نیروهای رزمنده، از طریق فاو به ام‌القصر برسند ارتباط دولت عراق را با دریا قطع می‌نمودند و از این طریق، جمهوری اسلامی می‌توانست به خواسته‌های بر حق خود برسد اما در تصرف فاو پیش روی بیش از کارخانه نمک امکان پذیر نشد زیرا مقاومت نیروهای بعثی به شدت زیاد گردید.

عملیات کربلای ۵ با این نیت آغاز گردید تا تنومه و بصره را تصرف نماییم. نیروهای رزمنده تا نزدیکی‌های بصره هم رسیدند ولی پیش روی بیشتر امکان پذیر نگردید.

در ناحیه شمال غرب، طرح عملیات تصرف حلبچه به مورد اجرا درآمد که سد دربندی خان عراق و سپس سد دوکان به تصرف درآیند تا حربه مناسبی برای فشار بر رژیم بغداد به دست آید اما متأسفانه آن عملیات هم جواب نداد.

استفاده از شیوه‌های غافل گیری در عملیات افندی و یا شیوه‌های نبرد رودرو با قدرت نظامی در همه این عملیات‌ها مورد توجه بود که بنا به موقعیت جغرافیایی «زمین نبرد» روشی اتخاذ و مورد عمل واقع می گردید.

در کلیه این عملیات‌ها، ناظران سیاسی غربی و کارشناسان نظامی آن‌ها حملات پی در پی نیروهای رزمنده ما را مورد بررسی و مطالعه قرار داده تا میزان پیشرفت و پیروزی ما را دریابند و همواره نگران این مسئله بودند که ما در جنگ پیروز شویم. سیاست قطعی آن‌ها این بود که جلوی ما را بگیرند. نخست با کمک تبلیغات و فریب افکار عمومی جهان و ارسال تسلیحات پیشرفته جدید و بعد از آن قصد و نیت آن‌ها این بود که حتی در صورت ضرورت، مستقیما با ما درگیر جنگ شوند. این مرحله به عقیده بسیاری از کارشناسان مسائل نظامی و مشاوران حضرت امام (ره) یعنی یک تحول بزرگ در جنگ که پیش از این سابقه نداشت. نگرانی غربی‌ها از این مسئله بود که ما جسارت ورود به خاک عراق را پیدا نموده‌ایم و تهدیدهایی جدی برای خاک عراق پدید آورده‌ایم. تولید موشک‌های متوسط برد ما به حد تولید انبوه رسیده بود که می‌توانستیم شهرهای عراقی را نیز مورد حمله قرار دهیم، لذا باید به هر قیمتی شده جلوی پیش روی ما را بگیرند و نگذارند ما پیروز شویم.

به جنگ شهرها که از حوالی سال‌های ۱۳۶۴ آغاز گردیده بود و تا پایان جنگ هم ادامه داشت، جنگ نفت‌کش‌ها هم اضافه شد تا منابع مالی ایران را قطع نمایند.

غربی‌ها به نیروهای عراقی موشک‌های اگزوسه و بمب‌های لیزری تحول دادند، فرانسوی‌ها هم هواپیماهای سوپر اتاندارد برای اهداف بسیار دقیق تقدیم صدام نمودند.

بسیاری از نفت‌کش‌ها، سکوهای نفتی و بنادر صدور نفت ما را در این جنگ از بین بردند که البته نیروهای رزمی ما با اتخاذ سیاست «مقابله به مثل» دشمنان را نیز آسیب پذیر نمودند، در این زمان بود که امریکا هم به طور غیر رسمی وارد جنگ با ما شدند. در هر حال آخرین اقدامی که علیه ما صورت گرفت و به منزله اخطار جدی امریکا به قطع جنگ بود، سرنگون کردن ایرباس مسافری ما به وسیله موشک پرتاب شده از ناو جنگی امریکای بود.

حضرت آیت الله رفسنجانی در مصاحبه‌ای فرموده بودند که دلایل متعددی موجب شد قطعنامه ۵۹۸ را بپذیریم و آتش بس برقرار گردد. یکی از مهم‌ترین دلایل، تحولاتی بود که در جبهه‌های جنگ رخ داد، از جمله بمباران شیمیایی حلبچه که نیروهای نظامی ما فهمیدند در این مورد نمی‌توانند مقابله به مثل نمایند. تدارکات ضعیف نیروهای رزمی ما از نظر تسلیحات، فقدان امکاناتی که بتوان دست به عملیاتی تهاجمی زد، یقینی شدن این موضوع که امریکا به هیچ وجه نمی‌گذارد که ما در جنگ پیروز شویم. (نگین ۵ ، ۱۱۱ : ۱۳۸۲)

علاوه بر این‌ها برخلاف عملیات تهاجمی مرحله دوم جنگ، که نیروهای نظامی ما اکثرا با پیروزی‌های درخشان و سریع مواجه بودند، در مرحله سوم در تهاجماتی که برای تصرف قسمتی از خاک عراق برای برقراری فشار لازم به تسلیم صدام داشتیم، عموما به دلیل مقاومت شدید نیروهای بعثی و کمک‌های فراوان دنیای غرب و شرق و باز گذاشتن دست صدام در انجام هرگونه جنایت

جنگی مثل بمباران‌های شیمیایی فراوان در جبهه‌ها و مناطق مسکونی مانند حلبچه، موفق به تثبیت و نگهداری موقعیت و مواضع تصرفی خود نبودیم و اگر

[صفحه ۵۲]

موفق هم می‌شدیم تلفات انسانی شدید بود. خستگی شدید نیروهای رزمنده ما به دلیل عملیات‌های ناموفق و مقاومت‌های سنگین مزید بر علت‌ها بود. در هر حال تحت تأثیر مجموعه این شرایط جنگی و مناسبات و روابط بین المللی آتش بس پذیرفته شد.

نتیجه گیری

در شش ماه نخست جنگ، نیروهای رزمنده اعم از ارتشیان، بسیجیان و جهادگران به خوبی دریافتند که به دلیل فقدان لوازم و ادوات جنگی در مقابل دشمنی که طی سالیان گذشته خود را تا بن دندان تجهیز نموده و در زمینه نیروهای مکانیزه زمینی، هوایی و دریایی از آمادگی کامل برخوردار است. به هیچ وجه قادر نیستند با تفکر و شیوه‌های کلاسیک، نبرد و مقابله نمایند؛ زیرا یک جنگ کلاسیک بر ابزار متکی است و ابزار و ادوات جنگی محور تاکتیک‌ها می‌باشد و لذا هر کدام از طرفین نبرد که از تجهیزات و تسلیحات برتری برخوردار باشد پیروز است.

تحریم اقتصادی و نظامی ایران از طرف امریکاییان از یک سو و سازمان و ساختار ارتش وابسته به امریکا از سوی دیگر، این اجازه را به ما نمی‌داد که بتوانیم با تفکر کلاسیک با عراق نبرد نماییم لذا با وجود نیروهای رزمنده انقلابی و شهادت طلب فراوان که به دستور رهبری انقلاب برای دفاع از کیان کشور و انقلاب و نظام اسلامی به سوی جبهه‌های نبرد هجوم آورده بودند، هیچ اندیشه نظامی بهتر از آغاز جنگ چریکی، به دست آوردن ابتکار عمل و طراحی نقشه‌های جنگی کاملا بدیع و ابتکاری وجود نداشت.

از آغاز سال ۱۳۶۰ تفکر جدید دفاعی مبتنی بر جنگ چریکی به ظهور رسید و این عظیم‌ترین نقطه عطف تاریخ جنگ تحمیلی بود. این تفکر بعد از ناکامی تفکر و تجربه پیشین در آزاد سازی مناطق اشغالی به فرماندهی بنی‌صدر و پدید آمدن بن‌بست و موجب تحولی در صحنه‌های نبرد با دشمن گردید که در نتیجه آن، پیروزی‌های متعددی یکی پس از دیگری نصیب رزمندگان اسلام شد. تفکر جنگ چریکی با الهام از مبارزات چریک شهری و مبارزات سیاسی دوران انقلاب توانست علی رغم کمبود تجهیزات جنگی و با تکیه بر ابزار سبک نظامی، سنت شکنی کرده و به خلق ابتکارات و توانمندی‌های زیادی دست بیابد.

اگر حمایت‌های ابرقدرت‌ها و در رأس همه آن‌ها امریکاییان از رژیم بعثی عراق نبود و اگر این رژیم را از نظر سیاسی - اقتصادی و نظامی حمایت همه جانبه نمی‌کردند، بدون تردید در همان سال‌های اولیه جنگ، رژیم صدام به پای میز مذاکره کشانیده و جنگ با صلحی پایدار، خاتمه پیدا می‌کرد. اما هرگاه ما در جبهه‌ای پیروز می‌شدیم. تمام تلاش‌های قدرت‌های جهانی در محکومیت ما و خنثی نمودن شهد این پیروزی به کار گرفته می‌شد، علاوه بر اینها رژیم صدام با استفاده از توان علمی و تکنولوژی آنها به فناوری تولید سلاح‌های شیمیایی دست یافت و برای اولین بار در شهریور ۱۳۶۲، از آن‌ها به صورت نسبتا وسیع استفاده کرد. از دیدگاه قدرت‌های جهانی پیروزی ما در جنگ می‌توانست برای کشورهای منطقه خطرناک باشد چرا که الگوی سیاسی حکومت گران ایرانی می‌توانست بر آن‌ها تأثیر مثبت بگذارد و این برای غرب یک باخت سیاسی بود که باید با آن مقابله می‌شد.

پاورقی

[۱] Collective Character.

[۲] National Characrte.

[۳] Ch.Martel.

[۴] (Poitiers) پواتیه یکی از شهرهای مرکزی فرانسه است که نام جنگ نبرد پواتیه در منابع اسلامی «بلاد الشهدا» ذکر شده. مسلمین در این نبرد که به سال ۱۱۴ هجری قمری رخ داد شکست سختی خوردند و پس از آن تاریخ بود که پیشرفت آنان در فرانسه و اروپا متوقف گردید.

[۵] Militarism.

[۶] Tactique.

[۷] Strtegie.

[۸] Panarabism.

[۹] Novel observator.

[۱۰] Wallstreet – journal.

[۱۱] Lemonde.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹